# فروش سکه‌های مسی با روکش طلا

فروش سکه‌های تقلبی در سایت دیوار، سرقت یک دستگاه بابکت با بیهوش کردن نگهبان و کلاهبرداری ۲ میلیارد تومانی با وعده سرمایه‌گذاری پرسود، مهم‌ترین پرونده‌های پلیس آگاهی تهران در ۲۴ ساعت گذشته بود.

## سکه‌های تقلبی در سایت دیوار

کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران با شکایت چند شهروند، در جریان فعالیت اعضای باندی قرار گرفتند که با فروش سکه‌های تقلبی در سایت دیوار کلاهبرداری می‌کردند. بررسی‌ها نشان داد شاکیان برای حفظ ارزش دارایی یا سرمایه‌گذاری، سکه‌هایی را از طریق آگهی‌های این سایت خریداری کرده بودند اما هنگام فروش متوجه شدند آنها تقلبی، از جنس مس و تنها دارای روکش طلا هستند. کارآگاهان با بررسی مسیر مالی وجوه پرداختی دریافتند پول‌ها به حساب یک نفر واریز شده است. صاحب حساب در میدان سبلان شناسایی و دستگیر شد. او مدعی شد کارت بانکی‌اش را در اختیار دوستش قرار داده است. با شناسایی متهم اصلی، ماموران او را در مخفیگاهش در کن دستگیر کردند و این فرد اعتراف کرد سکه‌های تقلبی را با قیمت کمتر در دیوار آگهی کرده و به خریداران می‌فروخت. با تکمیل تحقیقات مشخص شد متهم در اهواز تحت تعقیب قضایی است و به این شهر انتقال یافت. سرهنگ مسلم میراحمدی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ، از شهروندان خواست برای خرید سکه و اقلام سرمایه‌ای، اصالت کالا را نزد کارشناسان و مراکز معتبر بررسی کنند.

## بابکت را با بیهوش کردن نگهبان دزدیدند

کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی نیز در پرونده‌ای دیگر با شکایت یک شهروند، تحقیقات درباره سرقت یک دستگاه مینی‌لودر (بابکت) در محدوده اتوبان فتح را آغاز کردند. نگهبان ساختمان نیمه‌کاره گفت چند مرد با یک دستگاه پژو به محل آمده و با جلب اعتمادش، نوشیدنی حاوی مواد خواب‌آور به او داده‌اند. او پس از به هوش آمدن متوجه سرقت بابکت شد.

با بررسی دوربین‌های مداربسته، پلاک خودرو و چهره یکی از سارقان به دست آمد و مالک خودرو در باغی در شهریار شناسایی شد. مأموران او و یکی دیگر از سارقان را دستگیر و بابکت سرقتی را نیز کشف کردند. متهمان به سرقت اعتراف کردند.

## کلاهبرداری ۲ میلیاردی با وعده سود بالا

در پرونده‌ای دیگر، کارآگاهان پایگاه دهم با شکایت یک شهروند، تحقیقات درباره مردی را آغاز کردند که با وعده سرمایه‌گذاری پرسود از شهروندان و کسبه کلاهبرداری می‌کرد. متهم خود را فردی بانفوذ در ادارات دولتی معرفی و با تنظیم قراردادهای صوری، مبالغی را در قالب ارز، سکه و وجه نقد با عنوان پیش‌پرداخت تبلیغات، اجاره فروشگاه و پاساژ و همکاری تجاری دریافت کرده و پس از آن متواری شده بود.

او با نام مستعار در بازارهای صالح‌آباد غرب و خانی‌آباد فعالیت می‌کرد. پس از شناسایی هویت اصلی وی، متهم در مخفیگاهش در افسریه دستگیر شد. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری اعتراف کرد و تاکنون سه مالباخته شناسایی شده‌اند که ۲ میلیارد تومان از آنها کلاهبرداری شده است.

سرهنگ اکبری، فرمانده پایگاه دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ، به شهروندان هشدار داد پیش از هرگونه مشارکت مالی یا قرارداد تجاری، هویت و سوابق افراد را بررسی کنند و صرفا براساس وعده سود بالا یا ادعای ارتباط با افراد بانفوذ، وجهی پرداخت نکنند.

# کمپ ترک اعتیاد، پایان تلخ زندگی مرد معتاد

مرد جوانی که متهم است همراه چند نفر دیگر در جریان انتقال جوان معتاد به کمپ ترک اعتیاد، باعث مرگ او شده، پس از نقض حکم ۱۰ سال حبسش برای دومین بار در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و خواستار آزادی خود شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از دو سال قبل و با مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های تهران آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان داد این جوان مورد ضرب و جرح قرار گرفته و در حالی که حال مساعدی نداشته به بیمارستان منتقل شده اما تلاش پزشکان برای نجات جانش مؤثر واقع نشده است.

پدر بابک در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «از چند سال قبل پسرم به دام اعتیاد افتاده بود. چند باری او را به کمپ فرستاده بودم اما بعد از ترخیص دوباره سراغ مواد می‌رفت تا این‌که روز حادثه با یکی از مراکز ترک اعتیاد در اطراف تهران تماس گرفتم و از آنها خواستم پسرم را به کمپ ببرند. وقتی آمدند، بابک خیلی مقاومت کرد اما در نهایت او را بردند. هنوز چند ساعتی نگذشته بود که از بیمارستان با من تماس گرفتند و متوجه شدم پسرم فوت کرده است.»

با اظهارات پدر مقتول، سه نفر از افرادی که بابک را به بیمارستان منتقل کرده بودند، بازداشت شدند. در ادامه مأموران با حضور در کمپ ترک اعتیاد پس از تحقیقات، سه نفر دیگر از جمله مدیر کمپ را نیز دستگیر کردند.

با تکمیل تحقیقات، برای چهار متهم پرونده به اتهام مشارکت در قتل و برای دو نفر به اتهام معاونت در قتل و برای هر شش متهم به اتهام آدم‌ربایی کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در جلسه رسیدگی به پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران، اولیای دم بابک برای قاتلان پسرشان درخواست قصاص کردند و گفتند: «ارتباط ما و پسرمان خوب بود و برای این‌که اعتیادش را ترک کند، او را به کمپ فرستادیم که در آنجا جانش را گرفتند.» سپس دو متهم به معاونت در قتل در جایگاه دفاع قرار گرفتند. یکی از آنها گفت: «مسئولان کمپ به ما دستور دادند تا بابک را برای ترک به کمپ بیاوریم. او مقاومت می‌کرد که با او درگیر شدیم اما ضربه مرگباری به او نزدم.»

متهم دیگر نیز با رد اتهامش گفت: «پیش از این در این کمپ ترک کرده بودم. آن روز با ماشین به آنجا رفتم تا به دوستانم سر بزنم که مدیر کمپ از من خواست بابک را به بیمارستان برسانم. چون بابک بدحال بود، قبول کردم و همراه یک نفر دیگر او را به بیمارستان رساندیم که در آنجا فوت کرد. حتی آنجا منتظر ماندم تا پدرش آمد.» یکی دیگر از متهمان که به اتهام سرقت در زندان شهر دیگری به سر می‌برد، از طریق ویدئوکنفرانس از خود دفاع کرد و گفت: «برای ترک در کمپ بودم و آن روز فهمیدم جلوی در درگیری رخ داده که به آنجا رفتم. بابک حالش بد بود و گفتم او را به بیمارستان ببرید. من نقشی در مرگ او نداشتم.» وقتی نوبت به مدیر کمپ رسید، او نیز منکر نقش داشتن در این ماجرا شد.

رئیس دادگاه سپس از دو متهم به مشارکت در قتل خواست از خود دفاع کنند. یکی از آنها گفت: «من در جریان ماجرا نبودم و فقط بابک را همراه یکی دیگر از متهمان به بیمارستان رساندم. در ابتدا به مأمور بیمارستان گفتم او در خانه حالش بد شده تا کمپ را پلمب نکنند اما ۱۰ دقیقه بعد نظرم تغییر کرد و واقعیت را گفتم. به خاطر همین تناقض حالا متهم به قتل شده‌ام.»

آخرین متهم نیز منکر قتل شد و اظهار داشت: «وقتی رفتیم بابک را از خانه‌اش بیاوریم، به من حمله ور شد و با چاقو زخمی‌ام کرد. مدیر کمپ گفت او را به آنجا ببریم. حتی پدر بابک در خانه‌شان زخم مرا بست. به خاطر وضعیتم، حال خودم را نمی‌فهمیدم. یک ساعت بعد دیدم سر و صورت بابک خونی است. او را به بیمارستان بردند اما من به خاطر این‌که حالم خوب نبود، نرفتم.»

در ادامه جلسه، وکلای متهمان به دفاع از موکلان خود پرداختند و اتهام آدم‌ربایی را رد کردند. یکی از وکلا گفت: «خانواده بابک درخواست انتقال فرزندشان به کمپ را داشتند و آدم‌ربایی در کار نبوده است.»

پس از رسیدگی به پرونده، قضات دادگاه عمل متهمان را قتل شبه‌عمد تشخیص دادند و آنها را به پرداخت دیه و حبس محکوم کردند. متهمان دیه را پرداخت و رضایت اولیای دم را جلب کردند.

به این ترتیب، متهم اصلی پرونده که به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، به رأی اعتراض کرد و پرونده برای رسیدگی نهایی به دیوان عالی کشور ارسال شد. قضات دیوان عالی کشور حکم را نقض و پرونده را برای رسیدگی دوباره به دادگاه بازگرداندند. براساس نظر قضات، میزان مجازات با جرم ارتکابی همخوانی نداشت.

به این ترتیب، متهم دیروز برای دومین بار در دادگاه حاضر و خواستار آزادی خود شد. قضات پس از شنیدن دفاعیاتش برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

# رسیدگی دوباره به پرونده قتل استاد دانشگاه در بام تهران

عکس تزئینی است

پرونده زنی که به‌خاطر همدستی در قتل شوهرش به ۱۰ سال حبس محکوم شده، برای بررسی درخواست اعاده دادرسی‌اش دوباره روی میز قضات دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بیست‌وهفتم آذر سال ۱۴۰۱ مردی که استاد دانشگاه بود از خانه‌اش در تهران بیرون رفت و ناپدید شد. بعد از آن خانواده‌اش متوجه شدند که همسر او نیز ناپدید شده و با حضور نزد عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران برای یافتن این زوج کمک خواستند. باگذشت چند هفته از این ماجرا، دختر جوانی که دوست نوعروس بود به اداره پلیس تهران آمد و راز قتل تازه‌داماد را فاش کرد. با تحقیق از وی معلوم شد که همسر مقتول با مردی به نام شهیاد در کافی‌شاپی که پاتوق‌شان بوده، آشنا شده و قصد ازدواج داشتند. نوعروس نتوانسته طلاق بگیرد و به همین خاطر شهیاد، شوهر او را کشته و در حوالی دماوند جنازه‌اش را آتش زدند.

با اظهارات وی، ماموران به محل رها کردن جسد رفته و پیکر سوخته او را یافتند که با آزمایش دی‌ان‌ای هویت مرد گمشده فاش شد.

قاتل و همسر مقتول متواری بودند تا این‌که بعد از چهار ماه فرار در خانه اجاره‌ای در اسلامشهر بازداشت شدند. متهمان به شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شدند.

ابتدا شیوا در اظهاراتش گفت: شش سال پیش با همسرم آشنا شده و عقد کردیم اما خانواده‌اش مخالف بودند. او به من علاقه داشت و طلاقم نمی‌داد. از این وضع خسته شده بودم، در کافی‌شاپی که پاتوق‌مان بود با شهیاد آشنا شدم. او برای بازی مافیا آنجا می‌آمد که به هم علاقه‌مند شدیم. یک روز شوهرم فهمید من با مرد غریبه‌ای آشنا شده‌ام و گفت باید با شهیاد حرف بزند. با شوهرم به بام آجودانیه رفتیم. شهیاد هم آمد و سوار خودروی شوهرم شد و من رفتم. ساعاتی بعد شهیاد به من تلفنی خبر داد که شوهرم را کشته و بعد از قتل هم جسد را در بیابان سوزانده است.

همچنین شهیاد نیز در اظهاراتش گفت: قرار بود بعد از جدایی شیوا ازدواج کنیم که نشد. آن شب فقط خواستم با شوهرش حرف بزنم که دعوای‌مان شد. او چاقو دستش بود. چاقو را گرفتم و چند ضربه به او زدم که فوت شد. بعد از قتل مدتی در ویلاهای اجاره‌ای در شمال کشور بودیم. بعد به ارومیه رفتیم و ۳۰۰ میلیون تومان به یک قاچاق‌بر دادیم تا ما را از ایران خارج کند که سرمان کلاه گذاشت و ما را نبرد. بعد قاچاق‌بر دیگری را پیدا کردیم و خواستیم با او برویم که فهمیدیم در ترکیه زلزله شده و از ترس این‌که در آنجا جان‌مان را از دست بدهیم از سفر منصرف شدیم. شهیاد در آخرین دفاعیاتش گفت: آن روز با همسر شیوا قرار گذاشتیم تا حرف بزنیم. سوار ماشینش شده و به بام تهران رفتیم. در آنجا گفت؛ می‌دانم با شیوا ارتباط داری و بعد از داشبورد، چاقویی بیرون آورد و قصد حمله به من را داشت که چاقو را گرفتم و در این گیر و دار ضربه‌ای به گردنش زدم که مرگش را رقم زد و دست خودم هم زخمی شد.

پس از تکمیل تحقیقات در دادسرا برای شهیاد به اتهام مباشرت در قتل، جنایت بر میت و همچنین سرقت و برای شیوا به اتهام معاونت در قتل همسرش کیفر خواست صادر و متهمان چندی بعد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

اولیای‌دم در این جلسه برای قاتل درخواست قصاص و برای عروس سابق‌شان درخواست اشد مجازات کردند. سپس متهمان در جایگاه ایستاده و از خود دفاع کردند.

قضات دادگاه کیفری پس از رسیدگی به این پرونده شهیاد را به قصاص، دیه و حبس محکوم کردند. شیوا هم به اتهام معاونت در قتل به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

این رای در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد اما چندی قبل شیوا درخواست اعاده دادرسی داد و اعلام کرد معاونتی در قتل نداشته که این درخواست با قبول از سوی دیوان عالی کشور برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در حالی‌که شهیاد در یک قدمی قصاص است، شیوا دوباره محاکمه می‌شود.

# سرقت از گاوصندوق عمو برای انتقامگیری

دختر دانشجو وقتی فهمید که عموی خانواده ازچک‌های امانتی پدرش سوءاستفاده کرده، نقشه سرقت ۳۰ میلیاردی از گاوصندوق او را اجرا کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه یکشنبه بیست‌ودوم شهریور امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اطلاع داد وقتی به خانه‌اش در یکی از محله‌های شمال‌غرب تهران بازگشته، متوجه به‌هم‌ریختگی خانه و باز بودن در گاوصندوق شده که باعث سرقت مقداری ارز، سکه و طلا به ارزش ۳۰ میلیارد تومان شده است اما هیچ وسیله، مدارک و اسناد دیگری از خانه او به سرقت نرفته است. دوربین مداربسته خانه را هم بازبینی کرده اما دچار مشکلاتی شده و به‌درستی تصویر را ثبت نکرده است.

در بررسی ماموران مشخص شد، در طبقه بالایی خانه شاکی خانواده برادرش زندگی می‌کنند. از این خانواده تحقیق کردند اما آنها منکر اطلاع از سرقت شدند.

این درحالی بود که ماموران فیلم دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت را بازبینی کردند و تصاویری یافتند که نشان می‌داد سه نقابدار اموال را در ساکی گذاشته و در حال فرارند. در میانه راه نقاب یکی از آنها افتاده و فهمیدند او یک زن است. همین سرنخ کافی بود تا ماموران مطمئن شوند همدستان این زن هم باید خانم باشند، بنابراین این تصویر را به شاکی نشان دادند که او اعلام کرد برادرزاده‌اش است.

با هماهنگی قضایی شامگاه دوشنبه بیست‌وسوم شهریور امسال دختر جوان بازداشت شد. او در تحقیقات پلیسی به جرمش اعتراف کرد و گفت: پدرم تعدادی چک به‌طور امانت در اختیار عمویم قرار داده بود اما وی از این چک‌ها سوءاستفاده و پدرم را دچار دردسر کرده بود. تصمیم گرفتم از اموال عمویم سرقت و به طلبکاران پرداخت کنیم تا مشکل پیش آمده برای پدرم حل شود. بنابراین موضوع را به مادرم و یکی از دوستانم اطلاع دادم. اول قبول نکردند اما با اصرارهای من قبول کردند و با من همراه شدند. چون کلید خانه و گاوصندوق عمویم را قبلا برداشته و یدک ساخته بودیم از آن استفاده کردم. تیپ مردانه زدیم و چهره‌های‌مان را با پارچه و روسری پوشاندیم. وارد خانه که شدیم همه جا را به‌هم ریختیم و گاوصندوق را باز کرده و اموال را سرقت کردیم. اما بعد از آن ماجرا لو رفت و به دردسر افتادیم.

با اعتراف او، مادر متهم و دختری که دوستش بود، تحت تعقیب قرار گرفتند و بازداشت شدند. آنها نیز در بازجویی گفته‌های مشابهی را مطرح و به همدستی در این سرقت اعتراف کردند.

در نبود بازپرس پرونده، برای متهمان از سوی کوشکی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران قرار قانونی صادر شد و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

# درخواست دیه قربانیان قاتلی که در زندان سکته کرد

پسر جوانی که در یک شب، راننده تاکسی اینترنتی را به خاطر نداشتن پول کرایه به قتل رسانده و چند روز بعد پدرش را نیز با شلیک گلوله و ضربات چاقو کشته بود، پس از دستگیری و اعتراف به دو جنایت در زندان جان باخت و حالا اولیای‌دم دو قربانی برای دریافت دیه ماه حرام از بیت‌المال درخواست داده‌اند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دهم مرداد سال ۱۴۰۳، گزارش قتل مردی میانسال در طبقه سوم خانه‌ای در محله امام‌حسین(ع) تهران به پلیس اعلام شد. تیم جنایی پلیس آگاهی پس از حضور در محل با جسد مردی مواجه شد که بر اثر اصابت گلوله و ضربات چاقو جان باخته بود.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی قاتل آغاز شده بود، دختر مقتول پرده از راز جنایت برداشت و گفت قاتل برادر ۲۰ ساله‌اش است. به گفته او، برادرش پس از قتل پدرشان، عکسی از جسد و یک سلاح برای او ارسال کرده بود.

اما اظهارات دختر جوان تنها به این جنایت محدود نشد. او به مأموران گفت برادرش چند روز قبل مدعی شده بود چون پول کرایه نداشته، یک راننده تاکسی اینترنتی را در جاده تهران ـ کرج با شلیک گلوله کشته است. خانواده از او خواستند تسلیم شود، اما برادرش آنها را تهدید کرده بود.

تحقیقات پلیس این ادعا را تأیید کرد. مأموران کلانتری وردآورد پنجم مرداد همان سال جسد راننده‌ای را پیدا کردند که با هفت گلوله به قتل رسیده بود. با شکایت خانواده مقتول، هویت راننده مشخص و خودروی پژوپارس نوک‌مدادی او نیز حوالی میدان امام‌حسین(ع) بدون سرنشین کشف شد.

ردپای قاتل فراری سرانجام بعدازظهر پنجشنبه یازدهم مرداد حوالی تهرانپارس به‌دست آمد و مأموران او را دستگیر کردند. یک قبضه کلت کمری با ۱۶ فشنگ و یک چاقو نیز از او کشف شد.

متهم در بازجویی‌ها به هر دو جنایت اعتراف کرد. او درباره قتل راننده گفت برای رفتن به شهرک اندیشه سوار خودرو شده بود اما در میانه راه متوجه شد پول کرایه ندارد. پس از مشاجره با راننده، با اسلحه به سوی او شلیک و خودرویش را سرقت کرده بود. چند روز با خودرو رانندگی کرد و سپس آن را حوالی میدان امام‌حسین(ع) رها کرد. درباره قتل پدرش نیز گفت به‌دلیل اختلاف‌هایی که با هم داشتند و رفتارهایی که از او می‌دید، به‌شدت ناراضی بود. متهم مدعی شد شب حادثه در طبقه سوم خانه مخفی شده و پس از ورود پدرش، با شلیک گلوله و ضربات چاقو او را به قتل رسانده است. متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه دو جنایت روانه زندان شد اما مدتی بعد خبر رسید بر اثر ایست قلبی جان باخته است. با مرگ متهم، اولیای‌دم دو قربانی درخواست دریافت دیه از بیت‌المال را مطرح کردند. پرونده برای رسیدگی به این درخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال و در شعبه هشتم مورد رسیدگی قرار گرفت و حکم به پرداخت دیه صادر شد، اما اولیای‌دم به این رأی اعتراض کردند. به این ترتیب دیروز دوباره به پرونده رسیدگی و اولیای‌دم در جلسه دادگاه اعلام کردند با توجه به مرگ قاتل در زندان و منتفی شدن امکان مجازات او، خواستار پرداخت دیه از بیت‌المال هستند، اما در رأی قبلی افزایش دیه به‌دلیل وقوع قتل در ماه حرام لحاظ نشده بود. به این ترتیب قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

## کوتاه از حوادث

### عشقی که با خون پایان گرفت

پرونده پسر جوان که برای پایان دادن به رابطه‌اش با دختر مورد علاقه خود او را کشته بود، با صدور جلب به دادرسی به دادگاه ارسال شد تا به‌زودی محاکمه شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، مهرشاد شامگاه جمعه ۱۸ اردیبهشت‌ماه امسال در خانه‌اش در طبقه دوم ساختمانی در شرق تهران با دختر مورد علاقه‌اش درگیر شد و او را به قتل رساند و علاوه بر آن بخشی از آشپزخانه و خانه را به آتش کشید. او بعد از جنایت خودزنی کرده بود و پس از انتقال به بیمارستان با تلاش پزشکان زنده ماند. با گذشت چهار ماه از جنایت، دیروز او برای آخرین دفاع به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران ارسال شد و در تشریح ماجرا گفت: چند سال قبل به‌طور اتفاقی با دختر فوت شده آشنا شدم و ارتباطمان شکل گرفت. او به خانه مجردی‌ام می‌آمد اما مدتی بعد به خواست خانواده‌ام با دختری از آشنایان که در شهرستان بود نامزد کردم و از دختر جوان خواستم برای همیشه فراموشم کند اما حاضر نبود این جدایی را قبول کند و دست‌بردار نبود. می‌گفت باید نامزدی را به هم بزنم و با او در ارتباط باشم. ظهر روز حادثه به خانه‌ام آمد و دوباره سر موضوعات قبلی درگیر شدیم. عصبانی شد و بطری شیشه‌ای را برداشت و با آن محکم به سرم زد که زخمی شدم. من هم بطری شیشه‌ای دیگری برداشتم و به سر و صورت او زدم. بعد به سمتی پرت شدم. حالم خوب نبود. وقتی به خودم آمدم فهمیدم مرده. خیلی ترسیده بودم و با تیغ رگ‌های دستانم را زدم. شیر آشپزخانه را هم باز کردم که بر اثر جرقه آتش‌سوزی رخ داد. والدین دختر کشته برای متهم درخواست قصاص کردند.

سالار صنعتگر بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: پرونده پسر ۲۵ ساله به اتهام مباشرت در قتل عمدی با صدور جلب به دادرسی به‌زودی برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال می‌شود.

### انفجار مرگبار در خانه

مرد جوان در پی انفجار نامعلوم در خانه‌اش و آتش‌سوزی ناشی از آن فوت کرد.

به‌گزارش خبرنگار «جام‌جم»، سه‌شنبه بیست‌وچهارم شهریور امسال زنی با حضور در پلیس آگاهی تهران از مرگ مشکوک شوهرش خبر داد و گفت: «در یکی از شهرستان‌های اطراف تهران زندگی می‌کنیم. چندروز پیش برای خرید از خانه‌مان بیرون رفتم و ساعاتی بعد که بازگشتم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. دیدم اورژانس و آتش‌نشانی مقابل ساختمان محل زندگی‌مان هستند و خانه‌مان آتش گرفته و شوهرم دچار سوختگی شده تا این‌که چندروز بعد فوت کرد. به ماجرای مرگ او مشکوکم و از پلیس می‌خواهم موضوع را بررسی کند تا معلوم شود چرا این اتفاق برای او رخ داده است؛ چون ما مواد اشتعال‌زای در خانه نداشتیم که باعث این حادثه شده باشد.» سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر به «جام‌جم» گفت: «تحقیقات برای مشخص‌شدن ابعاد این پرونده ادامه دارد.»

### بازداشت عامل پرتاب کوکتل مولوتف

پلیس تهران از دستگیری عامل پرتاب کوکتل مولوتف به سمت شهروندان در میدان پونک خبر داد.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، ساعت ۲۱:۳۰ روز دوشنبه ۲۳ شهریورماه، فردی از بالای ساختمانی در محدوده بلوار میرزابابایی اقدام به پرتاب سه فقره کوکتل مولوتوف به سمت شهروندان حاضر در میدان پونک کرده و بلافاصله از محل متواری شد. درپی این اقدام، مأموران انتظامی با حضور در محل و انجام اقدامات تخصصی، تصاویر دوربین‌های مداربسته محدوده را به‌صورت دقیق مورد بررسی و بازبینی قرار دادند که در جریان آن، تصاویر فرد عامل هنگام ارتکاب جرم به دست آمد و مشخصات ظاهری وی و وسیله نقلیه مورد استفاده برای فرار از محل شناسایی شد. با انجام اقدامات اطلاعاتی و رصد مسیرهای تردد، مأموران موفق شدند وسیله نقلیه مورد استفاده متهم را شناسایی و در ادامه محل حضور وی را نیز تحت کنترل قرار دهند. در ادامه مشخص شد فرد مورد نظر قصد دارد به‌صورت غیرقانونی از مرزهای غربی کشور خارج شود. مأموران انتظامی در ساعات اولیه بامداد سه‌شنبه ۲۴ شهریورماه، در عملیاتی غافلگیرانه وی را شناسایی کردند. متهم با شلیک پلیس زخمی و دستگیر شد.